

بررسی تطبیقی مبانی قانونی، فقهی و اخلاقی اتانازی در حقوق ایران و سوئیس

شهلا پاشایی^۱

چکیده

مقاله حاضر درصدد بررسی تطبیقی مبانی قانونی و فقهی و اخلاقی اتانازی در حقوق ایران و سوئیس است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع و بیان جنبه مسئله‌مند بودن آن، به بررسی اهمیت مبانی قانونی و فقهی و اخلاقی اتانازی خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، تطبیقی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای می‌باشد. در ادامه این سوال مطرح است که چه تفاوت‌هایی از حیث مبانی قانونی، فقهی و اخلاقی در خصوص اتانازی در حقوق ایران و سوئیس دیده می‌شود؟ یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که: در کشور ایران برخلاف سوئیس، انجام اتانازی از لحاظ اخلاقی نادرست تلقی شده که با نظم عمومی، اخلاق حسنه و دین اسلام در تضاد است و انجام آن قتل عمد محسوب می‌شود و مجازات شخصی که دست به این اقدام بزند براساس روح سایر مواد در قانون مجازات، مجازات خواهد شد. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد که نبود مواد قانونی مستقلی همانند کشور سوئیس در رابطه با اتانازی در قانون ایران خالی از ایراد نیست، لذا در این راستا پیشنهاد می‌شود تا قانونگذار ایران در رابطه با اتانازی اقدام به قانونگذاری نماید و مبحث مستقلی را به آن اختصاص دهد، که در صورت انجام آن می‌توان شاهد کاهش بسیاری از سردرگمی‌های قانونی مربوط به این مسئله بود.

واژگان کلیدی: مبانی قانونی - فقهی - اخلاقی، اتانازی، ایران، سوئیس، خودکشی

^۱ دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌الملل کیش shhlapashayy@gmail.com

مقدمه

اتانازی مبحثی چالش‌برانگیز می‌باشد که از دیرباز تاکنون از لحاظ اخلاقی، حقوقی، پزشکی، روانشناسی و بررسی آن با ادیان الهی پرداخته شده است و شاهد رویکردها و قوانین متفاوت در جوامع گوناگون از جمله ایران و سوئیس هستیم. کسانی که در شرایط این نوع از مرگ قرار دارند، بیشتر بیماران لاعلاج هستند یا کسانی که از یک بیماری سخت روانی رنج می‌برند و با رضایت خود، از افرادی مثل پزشکان معالج یا پرستاران یا افراد خانواده خود بخواهند که به آن‌ها در مردن کمک کنند (حق گستر، ۱۳۹۴: ۱۳-۹). برای محق دانستن اشخاص در استفاده از حق اتانازی، قوانین حقوقی لازم است و عموماً به رسمیت شمردن این حق، ریشه در عقاید و گرایش‌های مذهبی دارد (مهردوست، ۱۳۹۹: ۲۵) و در آیه ۲۹ سوره نساء^۱ که بیان می‌دارد: «خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است». بیان می‌دارد که جان انسان محترم است، لذا خودکشی و دیگرکشی حرام است (محسن قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۷)، و در مکاتب الهی دیگر نیز حرام اعلام شده است، باتوجه به حرام دانستن این عمل و تعارض آن با اخلاق پزشکی و اخلاق حسنه؛ کشور سوئیس آن را قانونی اعلام کرده است اما در مقابل قانون ایران برای آن عنوان خاصی را اتخاذ نکرده است و مبحث مستقلی را نیز به آن اختصاص نداده است، با این وجود سؤالاتی که مطرح می‌شود در این خصوص که چرا در کشورهای اروپایی یا بطور خاص سوئیس این قوانین وجود دارد؟ و علل و عوامل عدم وجود قانون مرتبط با اتانازی در ایران چیست؟ در این مقاله تلاش شده است ابتدا به مفهوم خودکشی و اتانازی و پیشینه آن پرداخته شود و سپس انواع اتانازی و تعاریف آن‌ها و اتانازی پذیرفته شده در قانون سوئیس و ریشه اسلامی و علت حرام دانستن اتانازی و بررسی آن با اخلاق و در نهایت بررسی عدم وجود قوانین مرتبط با اتانازی در قانون ایران و علل قانونی شدن اتانازی در سوئیس مورد بررسی قرار گیرد.

۱۱۰

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- خودکشی

برخلاف آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، یافتن تعریف جامع و مانعی برای خودکشی کار چندان ساده‌ای نیست و در برخی از موارد کسانی که در این زمینه بحث کرده‌اند و یا به انجام بررسی خاصی دست زده‌اند، از ارائه تعریف ویژه‌ای خودداری کرده‌اند. واژه خودکشی به معنای قتل نفس است. در فرهنگ معاصر خودکشی به مفهوم خاتمه دادن عمدی به زندگی به میل خود و به دست خود تعبیر شده و اعتقاد بر آن است که این واژه اولین بار در نیمه قرن هفدهم بکار برده شده است. علم خودکشی شناسی را پروفیسور آلمانی به نام

^۱ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

دبیلوای یونگر در ۱۹۲۹ ابداع کرد در اواخر قرن نوزدهم امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی و فروید زمینه روانشناسی خودکشی را مورد بررسی جدی قرار دادند. امیل دورکیم در اثر معروف خود به نام خودکشی آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار آورده و چنین تعریف می‌کند: «خودکشی عبارت است از هر نوع مرگی که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم کردار منفی یا مثبت خود قربانی است که می‌بایست چنان نتیجه‌ای به بار آورد». پدیده خودکشی از دیدگاه علوم مختلفی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی، جرم‌شناسی و حقوق جزاء (کیفری) قابل تحلیل و بررسی است. از لحاظ حقوق کیفری، بحث راجع به خودکشی در حاشیه بررسی قتل‌ها به میان می‌آید. از این حیث خودکشی یا انتحار عبارت است از قتل که فاعل جرم (قاتل)، مفعول جرم (مقتول) نیز می‌باشد. بعبارت دیگر، هرگاه مجنی‌علیه (بزه‌دیده) قتل، خودش قاتل باشد عمل خودکشی تحقق می‌یابد. در واقع خودکشی نوعی از قتل همراه با وحدت قاتل و مقتول است (علی‌پور طولزدهی، ۱۳۹۸). عمل آگاهانه شخص برای پایان دادن به زندگی به دست خود می‌باشد. در مکاتب اخلاقی و ادیان الهی این عمل مورد نکوهش قرار گرفته و دید مثبتی نسبت به این امر وجود ندارد و در روز قیامت برای آن عذابی سخت وعده داده شده است. فقهای شیعه و سنی خودکشی را از گناهان کبیره می‌شمارند و شخص خودکشی کننده را فاسق می‌دانند. براساس تعاریف فقهی و حقوقی، خودکشی عملی اختیاری است که فرد عاقل برای سلب حیات و کشتن خود انجام می‌دهد و در آن برخلاف قتل، عنوان جانی (عامل جنایت) و مجنی‌علیه (مورد جنایت واقع شده) در یک فرد جمع می‌شود (مشکینی، ۱۴۱۹: ۹۱). خودکشی باتوجه به دلیل انجام آن، به ۱۱۱ دوگونه ایجابی و سلبی تقسیم شده است:

- **خودکشی ایجابی:** مانند زدن خود با شمشیر، چاقو، اسلحه یا خوردن سم؛

- **خودکشی سلبی:** مانند خودداری از خوردن غذا و آب، و ترک مداوا و درمان (مشکینی، ۱۴۱۹: ۹۱).

علل وقوع این پدیده، زمینه‌های گسترش و آمار آن در علوم گوناگونی چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، اخلاق و حقوق مورد بررسی واقع می‌شود و اگرچه برخی از صاحب‌نظران به استناد به حق آزادی و اراده و اختیار انسان، حق خودکشی را به رسمیت شناخته‌اند، ولی در بیشتر ادیان الهی و مکاتب اخلاقی و حقوقی، خودکشی امری ناپسند بشمار رفته و اقدام به خودکشی جرم و گناه تلقی شده است (دورکیم، ۱۳۷۸: ۱۵۹-۱۴۹).

۱-۲- اتانازی

واژه‌ای یونانی مرکب از EU به معنی خوب و عالی و THANASIA یعنی الهه مرگ، در اساطیر یونان باستان به معنی راحت مردن آمده است و در کتاب‌های لغت چنین تعریف شده است: ۱- مرگ آرام و بی‌درد؛ ۲- میراندن تعمدی و مصنوعی بیماران لاعلاج با امراض دردناک. این اصطلاح برای اولین بار توسط فرانسیس

بیکن، فیلسوف انگلیسی در سال ۱۶۲۰ در کتاب ارغنون نو وضع گردید (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۱). در فرهنگ انگلیسی به فارسی، اتانازی به معنای کشتن دلسوزانه، مرگ آسان و بی‌درد، خوش‌مرگی و خوب‌میری و کشتن انسان یا جانور از روی ترحم بخاطر نجات جان از درد و غیره آمده است (آریان‌پور کاشانی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷۹۳). بعضی نیز اتانازی را مرگ شیرین گفته‌اند. در زبان فارسی نیز عناوینی مانند قتل ترحم‌آمیز یا قتل از روی ترحم ترجمه مناسب برای این واژه است (عباسی، ۱۳۸۳: ۱).

در نهایت می‌توان بیان نمود که اتانازی در زبان یونانی به معنی مرگ خوب است و در اصطلاح شرایطی است که در آن، بیمار بنا به درخواست خودش بصورت طبیعی و آرام بمیرد. کسانی که در شرایط این نوع از مرگ قرار دارند بیشتر بیماران لاعلاج هستند و یا کسانی که از یک بیماری شدید روحی افسردگی اساسی و ... رنج می‌برند و با رضایت خود، از افرادی مثل پزشکان معالج یا پرستاران یا افراد خانواده خود، بخواهند که به آنها در مردن کمک و یاری کنند. در فارسی به آن (خوش‌میری)، (مرگ آسان)، (به‌مرگی)، (مرگ شیرین)، (مرگ باوقار)، (با وقار مردن) یا (مرگ بدون بی‌حرمتی) نیز گفته می‌شود. برداشتهای متفاوت از مفهوم هومرگ (اتانازی)، وجود دارد؛ مثلاً در روش غیرمستقیم، پزشک با تجاویز دارویی، فقط مقدمات مرگ بیمار را فراهم می‌کند و بیمار با آگاهی کامل به استقبال مرگ اختیاری می‌رود. اما در روش مستقیم، پزشک یا پرستار خود عامل مرگ بیمار هستند. تزریق داروی کشنده و جدا کردن بیمار از دستگاه‌های حمایتی، مثال‌هایی از این روش هستند که بعضی اوقات بدون اطلاع بیمار انجام می‌شوند. اتانازی یکی از مسائل دنیای جدید است که موضع‌گیری‌های متفاوتی نیز در مقابل خود ایجاد کرده است از نظر دین اسلام، اتانازی مورد قبول نیست. جسم انسان، امانتی در دست انسان است و او باید هرکاری برای حفظ این بدن انجام دهد و حتی در صورت امتناع، پزشک نمی‌تواند به زور او را درمان کند. در یهودیت و مسیحیت نیاز ایان عمل پذیرفته نیست و تنها در ادیان آسیایی چون بودائیسیم، شینتوئیسم و کنفوسیوسم پذیرفته شده است. اتانازی اصطلاحی عمومی است که بالفعل می‌توان تعابیر مختلفی را براساس زمینه‌ای که از آن استفاده می‌شود از آن استنباط کرد (طیبه، ۱۳۹۵).

۱۱۲

۲- زمینه تاریخی و طرح قانونی شدن اتانازی

اتانازی در غرب راهی نسبتاً طولانی را تا به امروز پیموده است. اغلب محققان، فرانسیس بیکن^۱ فیلسوف و طبیب قرن شانزدهم را اولین کسی می‌دانند که این واژه را وارد عرصه دانش پزشکی کرد. اما اسناد تاریخی

^۱ Francis Bacon

حاکی از آن است که قرن‌ها پیش از این، در مورد جواز یا عدم جواز پایان دادن به زندگی بیمار، بحث‌هایی در بین طبیبان دوران باستان وجود داشت. اگرچه عنوان «اتانازی» به معنای امروزی در آن زمان مصطلح نبود. در یونان باستان بقراط پزشک در سوگند مشهور خود، مسموم کردن بیماران را به هر دلیل ممنوع کرده بود و ارسطو نیز هر نوع خودکشی را مردود می‌شمرد. اما افلاطون در مورد بیماری‌های طولانی که امید به زنده ماندن بیمار نبود، اهدای مرگ را مجاز می‌دانست. اپیکوریست‌ها و رواقیون نیز خودکشی و اهدای مرگ را در مواردی که بیمار شرایط دردناک و ناامید کننده داشت، تأیید می‌کردند و یا حتی زمانی که فرد به دلیل بیماری و کهولت، نحیف و از کار افتاده می‌شد، این عمل را جایز می‌دانستند. این مسئله و بحث در مورد اصول اخلاقی و قانونی بودن مرگ شیرین (داوطلبانه) یا اتانازی بیشتر در نیمه آخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم مطرح گردید. بسیار قوی قبل از آن رومی‌ها و یونانیان باستان اعتقاد داشتند که نباید به هر قیمتی زندگی را حفظ کرد و براساس همین اعتقاد نسبت به خودکشی افراد که امیدی به بهبودی آنان وجود نداشت نرمش نشان می‌دادند (www.hdg-law.ir).

ولی تنها در صد سال اخیر توجه جدی به موضوع مرگ شیرین یا اتانازی شده است که برخی درصد آن هستند که که آن را قانونی کنند. برای مثال سال‌هاست که در کشور سوئیس از سال ۱۹۴۱ تا الان مسئله کمک به خودکشی تحت شرایطی خاص شکل قانونی به خودش گرفته است اما هنوز بسیاری از جوامع با این مسئله مخالف هستند و آن را خلاف اصول اخلاقی و قانونی می‌دانند از جمله کشور خودمان ایران که این نوع ۱۱۳ مرگ از مرگ (قتل) را برخلاف شرع و قانون و اخلاق می‌داند و بطور جدی با این مسئله برخورد می‌کند و آن را قتل عمد و مستحق قصاص می‌داند (اسلامی تبار و الهی منش، ۱۳۹۶: ۱۸۳). برای مثال در کتاب سینهوه پزشک مخصوص فرعون با ترجمه ذبیح‌اله منصوری بیان شده است که، فرعون دارای بیماری لاعلاجی بوده است که قابل درمان نمی‌باشد و بدینوسیله پزشک او با استفاده از زهری که از شیره تریاک به دست آورده بود را با شراب ترکیب کرد و آن را به فرعون خورد و او را به قتل رساند و در این کتاب سینهوه بیان داشته است که، من بیش از آنچه گفتم برای تبرئه خود چیزی نمی‌گویم ولی اینک که مشغول ثبت این اشکال هستم می‌گویم یکی از عواملی که مرا وادار کرد جام عصاره تریاک را به فرعون بخورانم این بود که می‌خواستم به رنج و تعب او خاتمه بدهم و می‌دانستم که اگر به جای من دیگری درصد قتل اخماتون برآید او را با دردهای جانگزار خواهد کشت در صورتی که من طوری او را به جهان مغرب فرستادم که خود وی متوجه نشد که آیا بخواب رفته یا در حال احتضار است.

در جوامع قدیم و بدوی از اتانازی نوع فعال استفاده می‌کردند و بیماران سخت را از روی ترحم و برای اینکه درد و رنج بیشتری نکشند، خفه می‌کردند و در مواردی هم آنان را می‌سوزاندند یا زنده به گور می‌کردند. در

حال حاضر نیز این روش‌ها در بین بعضی از قبایل جزایر اقیانوس آرام و بخش‌هایی از آفریقا و آمریکای جنوبی رایج است. اسکیموهای جوان، پدر و مادر خود را هنگامی که سخت پیر شده باشند و کاری از دستشان برنیاید، با دست خود می‌کشند؛ کسی که از این کار سرباز زند، چنان است که گویی وظیفه فرزندی را انجام نداده است.

اپیکوریست‌ها و رواقیون، خودکشی و اتانازی را در شرایطی که بیمار شرایط دردناک و ناامید کننده‌ای داشت، تأیید می‌کردند و حتی در مواردی که فرد به دلیل بیماری و کهولت تحیف و ضعیف و از کار افتاده می‌شد، این عمل را جایز می‌دانستند.

در اغلب تمدن‌های باستانی در اسپارت و سایر تمدن‌های باستانی سواحل مدیترانه در بین‌النهرین و هند، جامعه را بر فرد مقدم می‌دانستند و بدین علت برای حفظ منافع جامعه فدا کردن فرد مجاز بوده است و هر وقت مصالح کشور، شهر و قبیله ایجاب می‌کرده است، تسریع مرگ بیمار را مجاز می‌دانستند. در آلمان نازی تعداد ۲۷۵۰۰۰ نفر انسان بی‌گناه در مرکز به اصطلاح اتانازی قربانی شدند. کشتار در کوره‌های آدم‌سوزی نازی‌ها که در ابتدا اساساً از اتانازی شروع شد، درباره کسانی اجرا می‌شد که خود می‌گفتند، زندگی‌شان بی‌ارزش است و یا بطور مزمین یا به شدت بیمار بوده‌اند، تا اینکه بعداً گستره عمل وسعت یافت و شامل کسان دیگری شد که از نظر اجتماعی، فرآیند ایدئولوژیکی یا نژادی غیرمطلوب بوده‌اند.

۱۱۴

در مصر قدیم خودکشی منع شده بود و معتقد بودند، کسی که خودکشی می‌کند، خودش را از خداوند جدا کرده است. در یونان باستان، افراد می‌توانستند، از مجلس سنا برای خودکشی کمک بخواهند. اتانازی در میان بیمارانی که دارای بیماری غیرقابل درمان و دردناک بودند، توسط فیلسوفان یونانی همچون سقراط و افلاطون تأیید شده بود. در بحث‌های افلاطونی به تدریج تغییرات تکاملی در بحث اتانازی به وجود آمد تا جائیکه در کتاب جمهوری افلاطون در مورد بیماری‌های طولانی که امید به زنده ماندن‌شان نبود، اجازه داده شده است که اتانازی فعال انجام شود. در آن زمان، برخی پزشکان بعنوان عاملان سیاسی به بعضی از افراد سم می‌دادند تا از بین بروند که بقراط و پزشکان همفکر او با چنین رویه‌ای سخت مخالفت کردند تا جائیکه در قوانین اخلاقی بقراط، چنین رفتاری را برای پزشکان، غیراخلاقی می‌دانستند، ارسطو هر نوع خودکشی را مردود می‌شمرد؛ چه برای بیماری که در رنج و درد شدید باشد و چه برای فرد سالم. درک همفری^۱ بنیاد هملاک سوسایتی را بنیانگذاری کرد که هدف اصلی این سازمان کمک به افرادی بود که می‌خواستند از طریق اتانازی یا خودکشی کمکی به زندگی خود پایان دهند.

اکنون در بعضی از کشورها اتانازی فعال، قانونی است؛ مثلاً طبق قوانین جدید در هلند دردهای غیرقابل تحمل، فاکتوری است که فرد را دارای شرایط لازم برای القای مرگ می‌کند. در سال ۱۹۹۰ شرایط آن در

¹ Derek Humphry

انجمن سلطنتی پزشکان هلند و وزارت دادگستری مورد توافق واقع شد و در سال ۱۹۹۳ اصلاحات انجام گردید. اولین قانونی که بطور خاص و ویژه در خصوص اتانازی تصویب شد قانون حق بر مرگ منطقه شمالی استرالیا مصوب ۱۹۹۵ بود. بنابراین منطقه شمالی استرالیا اولین کشور است که اتانازی را به موجب قانون خام پذیرفت. لذا منطقه شمالی استرالیا از حیث قانونگذاری بر هلند مقدم است، لکن هلند از حیث پذیرش توسط رویه قضایی بر منطقه شمالی استرالیا مقدم می‌باشد.

قانون جزای ۱۹۲۲ شوروی در ماده (۱۴۳)، قتل با رضایت فرد (مجی علیه) را جرم نمی‌دانست اما این قانون یک قانون عام و کلی بود که قتل‌هایی را که با رضایت مجنی علیه انجام می‌گرفت، جرم نمی‌دانست. بنابراین شامل پزشک و بیمار نیز می‌شد؛ اما نمی‌توان گفت یک قانون مختص به اتانازی بوده که انجام آن را تحت شرایط خاص و با مقررات ویژه اجازه داده است. باید توجه داشت، آنچه ذکر شد، سیر تاریخی پذیرش و قانونی شدن قتل ترحم‌آمیز بود و الا اولین قانون ضد قتل ترحم‌آمیز در آمریکا در ایالت نیویورک در سال ۱۸۲۸ تصویب شد (موسوی بجنوردی و رضوی‌نیا، ۱۳۹۳: ۶۹)

۳- انواع اتانازی

- اتانازی فعال داوطلبانه تزریق عامدانه دارو یا اقدامات دیگر که منجر به مرگ بیمار شود. این عمل براساس تقاضای صریح بیمار و با رضایت کاملا آگاهانه او انجام می‌شود. نکته مهم در این حالت این است که قصد و تمایل پزشک و بیمار هر دو در جهت خاتمه دادن به زندگی بیمار است. در اتانازی فعال داوطلبانه دو شرط بسیار مهم است: ۱- تصمیم خود بیمار؛ ۲- درد و رنج غیرقابل تحمل و بدون امید به بهبودی.

- اتانازی فعال غیرداوطلبانه تزریق عامدانه دارو یا اقدامات دیگر که منجر به مرگ بیمار شود. در این حالت، بیمار صلاحیت تصمیم‌گیری (اهلیت یا صلاحیت قانونی) را ندارد و از لحاظ روانی قادر به درخواست صریح برای این عمل نیست.

- اتانازی فعال اجباری تزریق عامدانه دارو یا اقدامات دیگر که باعث مرگ بیمار شود. در این حالت، بیمار صلاحیت تصمیم‌گیری را داراست و هیچگونه درخواست صریح برای این عمل نداشته است. این حالت را جمیع اخلاقیون مجاز نمی‌دانند و قتل محسوب می‌شود.

- اتانازی غیرفعال عدم شروع درمان یا قطع درمان‌هایی که برای حفظ حیات بیمار لازم است. البته این نوع اتانازی می‌تواند داوطلبانه (براساس درخواست بیمار) یا غیرداوطلبانه (وقتی بیمار صلاحیت رسیدگی ندارد) باشد. این نوع اتانازی معمولاً بصورت مستقیم مانند تجویز دارو یا هر اقدام دیگری نیست.

- اتانازی غیرفعال داوطلبانه بیمار درمان خود را رد می‌کند تا در مرگاش تسریع شود. بعبارت دیگر، بیمار از همان ابتدا از پذیرش درمان سرباز می‌زند. این نوع اتانازی معمولاً در مورد بیمارانی بکار گرفته می‌شود که شرایط بسیار وخیمی دارند پزشکان هم مطمئن‌اند که درمان آنها امکانپذیر نیست، بنابراین درمان را قطع کرده و بیمار را از مواد غذایی یا دارو محروم می‌کنند یا اگر بیمار در سیر بیماری‌اش دچار عفونتی شود، درمانی برای عفونت او آغاز نمی‌شود.

- اتانازی غیرمستقیم در این حالت ضددردهای مخدر یا داروهای دیگر برای تسکین درد بیمار تجویز می‌شود اما پیامد عرضی آن، قطع سیستم تنفسی بیمار است که منجر به مرگ بیمار می‌شود. این نوع اتانازی با قصد عامدانه انجام نمی‌شود اما پیامد عرضی آن مرگ بیمار است.

- خودکشی با همکاری پزشک در این حالت، پزشک‌ها دارو یا اقدامات دیگر را برای بیمار فراهم می‌کنند، با توجه به اینکه آنها می‌دانند قصد بیمار خودکشی است (آریان‌پور کاشانی و آریان‌پور کاشانی، ۱۳۷۷: ۱۱). طبق تعاریف گفته شده در کشور ایران هیچکدام از انواع اتانازی مورد پذیرش قرار نگرفته است اما در کشور سوئیس اتانازی انفعالی مورد پذیرش قرار گرفته است که براساس آن بیمار را رها می‌کنیم تا خود بمیرد. در قسم منفعل عدم حرمت آن روشن است و در موارد لاعلاجی که هیچ امیدی به بهبودی فرد بیمار نیست و بیماری او روز به روز در حال پیشرفت است، دیگر هیچ ضرورت اخلاقی و تکلیف شرعی بعهده پزشک و یا حتی شخص بیمار نیست تا بخواهد روند پیشرفت بیماری را کاهش داد و یا شخص بیمار را زنده نگه داشت (قریشی و دیگران، ۱۳۹۵).

۱۱۶

۴- ریشه اسلامی اتانازی و علت حرام دانستن آن

در دین اسلام اعتقاد بر این است که هنگام بروز مصایب و گرفتاری‌ها، خداوند با رحمت خود ما را به صبر دعوت می‌کند لذا هرگونه اتانازی و خودکشی مردود است و در آیات متعددی چون: «مَآئِمَّا جَزَاءُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱، و «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ

^۱ سوره مائده، آیه ۳۳: «همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جزء این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا پایشان به خلاف یکدیگر بپزند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود».

مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَتَّقُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا^۲» و روایات به این امر مهم اشاره شده که از مجموع آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اسلام حق مرگ را بر انسان به رسمیت نمی‌شناسد و حیات را بعنوان امانتی در دست انسان و انسان را مالک حیات خویش نمی‌داند تا بتواند آن را ساقط کند (اسلامی‌تبار و الهی‌منش، ۱۳۹۶: ۱۸۳). و رضایت مقتول و انگیزه قاتل هیچ تأثیری در ماهیت قتل و حرمت عمل نخواهد داشت (مظاهر تهرانی، ۱۳۹۴: ۷۷). خودکشی کردن از جمله گناهان کبیره است که انسان بعد از ارتکاب به آن فرصت توبه پیدا نمی‌کند و خداوند آن را در آتش جاوید قرار خواهد داد، خودکشی مصداق کشتن انسانی است که جانش محترم است و کسی حق کشتن او را ندارد حتی اگر این شخص خودش باشد و باید در نظر داشته باشیم که خداوند مالک تمام جهان از جمله جان انسان‌هاست و بدون اجازه او نمی‌توان چنین کاری انجام داد و همچنین در قرآن نیز درباره قتل انسانی که کشتن‌اش واجب نشده شدیداً تهدید کرده و وعده عذاب جاوید جهنم داده است، بعنوان مثال: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا^۳» و «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَعَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا^۴» و «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ^۵»، از پیامبر اسلام (ص) نقل است: «میان انسان‌های پیش از ۱۱۷

^۱ سوره انعام، آیه ۱۵۱: «بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را بر شما بخوانم، و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیابرد، و به پدر و مادر احسان کنید، و دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم، و دیگر به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جزء به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید».

^۲ سوره نساء، آیه ۲۹: «ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)، و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان است».

^۳ سوره نساء، آیه ۳۰: «و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است».

^۴ سوره نساء، آیه ۹۳: «و هرکس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالیکه جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمت‌اش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است».

^۵ سوره مائده، آیه ۳۲: «هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است».

شما، مردی جراحی برداشت و از شدت بی‌تابی کاردی برداشت و با آن دست‌اش را قطع کرد و از شدت خونریزی مرد»، پس خداوند فرمود: «بنده‌ام در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت ... هر آینه بهشت را بر او حرام کرده‌ام» و همچنین در حدیث دیگر نیز می‌فرمایند: «کسی که بوسیله آهن خودکشی کند پس با آهن پاره‌ای به دست که قسمتی از به شکمش فرو رفته آورده می‌شود و وارد جهنم می‌گردد و در آن بطور ابد و همیشگی خواهد سوخت و کسی که با خوردن سم خودکشی کند پس با سم در دست به آتش جهنم انداخته می‌شود و در آن بطور دائم خواهد سوخت و کسی خود را با پرت کردن از کوه به قتل برساند، پس به آتش جهنم پرت می‌شود و در آن تا ابد خواهد ماند» (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۲۰۶). امام صادق (ع) فرمودند: «کسی که عمداً خود را بکشد برای همیشه در آتش جهنم خواهد بود»، چون خداوند فرموده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عِدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»، (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۵۰۹).

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، خودکشی را بنابر تعالیم همه ادیان و شرایع الهی حرام دانسته است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۷۲). در شیعه و سنی نیز به این امر اشاره شده است و حرمت حرام بودن آن ذکر گردیده است. آن را از گناهان کبیره و خودکشی کننده را فاسق دانسته‌اند (مشکینی، ۱۴۱۹: ۹۱). با این وجود در می‌بایم که در این اسلام به هیچ وجه اتانازی و یا خودکشی مورد قبول نیست حتی اگر دلایل قابل قبولی وجود داشته و در هر حال گناه دانسته شده است و خداوند مالک جان انسان می‌باشد و خداست که زنده می‌کند و می‌میراند و هیچ انسانی حق انجام این عمل را نخواهد داشت و به عذاب الهی دردناکی دچار خواهد شد که بخششی نیز وجود ندارد. اولین ضرورت اخلاقی که باعث نفی و حرمت خودکشی مساعدت شده در فقه اسلامی می‌شود، سپردن امور حیات و مرگ به دست خداوند است و هیچ فردی حقی برای پایان دادن به حیات دیگری ندارد. همانطور که در قرآن کریم می‌فرماید: «لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲، در اسلام، حیات انسان‌ها موهبتی الهی بوده که انسان فقط امانت‌دار آن است، حتی درد و رنج نیز دارای فلسفه‌ای بوده و در قرآن نیز این مسأله مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین منابع دینی بر ضرورت حمایت و مراقبت از بیمار تأکید می‌کنند و در قرآن به بیماران وعده داده شده است که فقط منتظر شفا از سمت خداوند باشند. تمامی موارد فوق مبین بر حرام بودن اتانازی هستند. باتوجه به نتایج مطالعات، اتانازی در اسلام با هیچ دلیلی قابل توجیه نبوده و مرگ از روی دلسوزی با کرامت انسانی سازگاری ندارد.

۱۱۸

^۱ سوره نساء، آیه ۳۰: «خودتان را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است و هرکس از روی دشمنی و ستمگری چنین کاری کند (یعنی خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحق سازد یا دست به انتحار و خودکشی بزند) پس او را به زودی در آتش دوزخ درآوریم و این کار برای خدا آسان است».

^۲ سوره حدید، آیه ۲: «فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست زنده می‌کند و می‌میراند».

بکارگیری و پذیرش این قانون در جامعه اسلامی دارای آثار و تبعات جبران‌ناپذیری خواهد بود، از جمله اینکه، حرمت قتل و از بین بردن انسان به ناحق بعنوان اصل مسلم در فقه اسلامی شناخته می‌شود (سلیمان‌آبادی و سلیمان‌آبادی، ۱۴۰۰).

۵- بررسی اخلاقی اتانازی در ایران و سوئیس

بحث اخلاقی اتانازی بیشتر در زمینه پزشکی مطرح می‌باشد که پزشک اجازه انجام اتانازی را بنابر دلایلی از قبیل درد غیرقابل تحمل بیمار یا بیماری لاعلاجی که درمان ندارد یا درمان موثر نبوده را ندارد زیرا انجام این عمل با اخلاق پزشکی متضاد می‌باشد و هدف پزشک کمک به جان انسان می‌باشد. در همین رابطه انجمن جهانی پزشکی^۱ در بیانیه خود براساس سوگندنامه بقراط، اتانازی را به هر شکلی محکوم کرده و آن را غیراخلاقی می‌داند (هاشمی و مرتضوی، ۱۳۸۷: ۲۷). بدین‌سان مباحثی که پیرامون اتانازی مطرح می‌شود، مباحث مربوط به «ارزش»ها است. برخی اعتقاد دارند که حیات، حد‌اعلای خوبی است و دیگر خوبی‌ها با وجود حیات و زندگی معنا می‌یابند. بدون زندگی و حیات، هیچ ارزش یا خوبی وجود ندارد (یعنی نمی‌تواند وجود داشته باشد) و حیات، شرط لازم برای تحقق دیگر ارزش‌ها است. در گذشته سرعت بخشیدن عامدانه به مرگ یک انسان، پیوسته بعنوان یک جنایت تلقی می‌شد، آن هم بدون توجه به شرایط بیمار و وسعت بیماری او، اما اکنون برخورد عموم با این موضوع تغییر یافته است، همکاری با انسانی که به وضوح، تمایل^{۱۱۹} خود را برای مردن اعلام داشته، آن هم بویژه در شرایط وجود یک بیماری لاعلاج، امروزه بنحو فزاینده‌ای بعنوان عملی قابل توجیه نگریسته می‌شود (جوانمرد، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

در رابطه با اخلاقی بودن یا نبودن اتانازی صحبت کنیم باید بگوئیم که این کار عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا با موجی از موافقان و مخالفان روبرو خواهیم شد که براساس استدلال‌های خود این نوع مرگ را اخلاقی یا غیراخلاقی می‌دانند. موافقان اتانازی بر این باورند که انسان اختیار دارد که برای زندگی و مرگ خود تصمیم بگیرد و این نوع مرگ را مرگ با عزت می‌نامند. طرفداران کشتن از روی ترحم و دلسوزی چنین استدلال می‌کنند که علیرغم اینکه عمل غیرعقلانی است، ولی برای فرد درمانده و فقیر، فرد دارای زندگی نباتی یا مرگ غیرقابل اجتناب این عمل را برای بیمار، خانواده‌ها و جامعه مفید می‌دانند. آن را یک اقدام مثبت اخلاقی بر می‌شمارند، هرچند بسیاری از کشورها قانون حق امتناع از درمان پزشکی را به رسمیت شناخته‌اند، ولی تنها در هلند، بلژیک، سوئیس و ایالت ارگون آمریکا یاری رساندن به بیماری برای طولانی نشدن عمر همراه

¹ World Medical Association

با درد و رنج طاقت‌فرسا را تصویب کرده‌اند و چکیده دلایل و استدلال‌های طرفداران اتانازی را می‌توان در ۵ دلیل به شرح زیر بیان کرد:

(۱) اهمیت انتخاب فرد: در نظام‌های لیبرال دموکراسی فرد از آزادی و حقوق کامل برخوردار است و می‌تواند در مورد مرگ و زندگی خود تصمیم بگیرد، بنابراین مراعات دقیق اصول لیبرال دموکراسی و آزادی فردی مقتضی آزادی حق انتخاب مرگ و جایز بودن اتانازی است.

(۲) کیفیت و شرایط زندگی بیمار: درد جسمانی بیمار توأم با احساس روانی ناخوشایندی که در مورد از دست دادن استقلال و شأن خود دارد و خود را طفیل حمایت دیگران (خانواده، جامعه، پزشکان و ...) می‌بیند، بخصوص در بیماری‌های خاص و پردرد و نفس‌گیر که اراده و کنترل ارادی بیمار را بکلی مختل می‌سازد. موجب رنج مضاعف او می‌شود، هم وابسته به دیگران است (به لحاظ مالی، جسمانی، روحی، انجام امور شخصی و ...) و هم قادر به کنترل و اداره خویش نیست و دائماً تحقیر می‌شود لذا این همه، سبب آزار و رنج و مرگ تدریجی جانکاه و توأم با درد مضاعف او می‌شود و جایز است که او را از این شرایط نامطلوب و کیفیت زندگی طفیلی و تحقیرآمیز رهایی بخشید.

(۳) تحمیل هزینه‌های اقتصادی و کمبود منابع انسانی جامعه: اختصاص دادن تجهیزات بیمارستانی و پرسنل آن و پزشکان و متخصصان برجسته‌ای که دیگر بیماران و جامعه به وجود آنان نیازمندند و تحمیل هزینه‌های گزاف برای نگه داشتن چند روز بیشتر بیماران لاعلاج به هیچ روی خردمندانه و به صرفه نیست و موجب هدر رفتن منابع اقتصادی و نیروهای انسانی کارآمد جامعه و طولانی‌تر شدن لیست انتظار بیماران می‌شود.

(۴) فضای روانی وارد بر خود این بیماران: تحمل این همه درد، رنج، فشار و تحمل بیماری درازمدت، در موارد زیادی برای خود بیمار نیز قابل ادامه نیست بطوری که آرزوی مرگ می‌کند و مردن را رهایی خود می‌داند و بسا به خودکشی اقدام کند. بنابراین اتانازی در اینگونه موارد نوعی خلاصی برای این بیماران است تا از فشار درد روحی و جسمی نجات بیابند (این دلیل در واقع در دو دلیل قبلی منطوقی است و می‌توان آن دو را بگونه‌ای متضمن این دلیل دانست).

(۵) نگاه جامعه‌شناسانه: از نظر اجتماعی، چه بسا خویشاوندان ذینفع و وارثان بیمار لاعلاج مایل به نگهداری او نباشند زیرا موجب تأخیر در دستیابی به ارث و اموال او می‌شود. بستگان خونی حق دارند برای مردن بیمارشان تصمیم بگیرند و از پزشک یا تیم پزشکی بخواهند که به حیات او پایان داده و عده‌ای را از بلا تکلیفی و انتظار یا مشکل پرداخت هزینه‌های او رها سازند و مخالفان اتانازی معتقدند که زندگی موهبتی است الهی. هیچکس حق تصرف در آن را ندارد. این عمل زیرپا گذاشتن ارزش‌های انسانی است. احتمال برگشت و نجات و یا درمان جدید و یا امدادهای غیبی همیشه وجود دارد.

خودکشی و کمک به خودکشی (قرار دادن امکانات و وسایل جهت خودکشی) جرم است. در واقع معتقدند عدم نجات برابر قتل است. از این رو نمی‌توان فرد را رها ساخت. شاید با حفظ وضع موجود درمانی جدیدی فراهم شود. مجوز چنین کاری به پزشک هم داده نشده است. زیرا وظیفه پزشک حفظ جان آدمی است، نه گرفتن جان از او. در هر صورت قانونی کردن اتانازی اختیاری موجب از بین رفتن اعتماد و مسئولیت در حرفه پزشکی و کاهش حساسیت جوامع به مرگ و نهایتاً باعث از بین رفتن انسانیت و مسئولیت انسانی و تنوعی از بیماری‌های اجتماعی می‌شود و عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت و مخالفان نیز ۷ دلیل کلی بیان کرده‌اند:

(۱) دلیل حرفه‌ای: یعنی کمک به مرگ بیمار مغایرت با نقش حرفه‌ای پزشکان، پرستاران و درمانگران و پرسنل مراکز پزشکی دارد زیرا وظیفه اولیه و اصلی پزشکان و نیز توقع جامعه از ایشان معالجه کردن و شفا دادن و باز گرداندن زندگی به بیماران است نه کشتن آنها. جایز دانستن اتانازی با وظیفه اصلی و حرفه‌ای پزشکان و نیز با سوگندی که خورده‌اند (سوگند بقراط) مغایر و مبین است پس باید ممنوع گردد.

(۲) دلیل اخلاقی: از نظر بعضی مردم، اتانازی - بخصوص نوع داوطلبانه آن - نوعی خودکشی است و خودکشی به لحاظ اخلاقی قابل توجیه نیست یا حداقل مورد مناقشه جدی است. شکل غیرداوطلبانه آن نیز نوعی آدم‌کشی است که آن نیز اخلاقاً جایز و مقبول نیست. پس یا خودکشی است یا آدم‌کشی که هر دو اخلاقاً مردود است.

(۳) دلیل الهیاتی: جایز شمردن اتانازی در واقع فتوا به نقض کرامت انسانی است و با قداست، حرمت و ارزش ۱۲۱ حیات انسانی مغایر است، هرچند بعضی از نحله‌های مذهبی در پاره‌ای شرایط خاص آن را جایز دانسته‌اند (یهودیت ارتودوکس) ولی اغلب عالمان دینی و الهی‌دانان ادیان آن را گناه و آدم‌کشی و قتل ناموجه دانسته‌اند.

(۴) امکان اجرا: در صورتیکه بیمار به لحاظ ذهنی و روانی معلول و از پا افتاده باشد و قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب نداشته باشد دیگر نمی‌توان از مرگ داوطلبانه و انتخابی سخن گفت زیرا امکان عملی ندارد و احراز صلاحیت تصمیم‌گیری بیمار جهت مردن داوطلبانه امری محال و متناقض است.

(۵) احتمال بهبود در آینده نزدیک: اگر دلایلی موجود باشد که طبق آنها ممکن است بیمار به زودی بهبود یابد تنها باید از اقدامات تسلی‌بخش استفاده کرد و اتانازی را ممنوع دانست.

(۶) خواسته‌های خانواده و اقوام: ممکن است که اعضای خانواده، بستگان، دوستان و نزدیکان بیمار ترجیح دهند که برای مدت بیشتری در حضور بیمارشان - ولو با حال وخیم او - باشند و به لحاظ عاطفی، همین احساس حضور او و زنده بودنش تأثیرات روحی قاطعی برای آنها داشته باشد نباید این فرصت را از آنها دریغ داشت. این یک امر انسانی و اخلاقی است که باید به آن احترام گذاشت.

۷) رضایت تحت فشار: به فرض که بیمار، خود، مردن را انتخاب کرده باشد و بدان رضای باشد و رضایت‌اش را نیز اعلام کرده باشد، این رضایت که تحت فشار درد و ناراحتی جسمی و روانی است ارزشی ندارد و یک تصمیم عاقلانه و قابل استناد نخواهد بود. گاهی نیز در بعضی کشورها در بعضی بیمارستان‌ها دیده شده که پرسنل بیمار را برای قبول مرگ ترحمی و اعلام رضایت تحت فشار می‌گذرانند و چنین رضایتی ارزشی ندارد. در حالیکه هزینه کردن بر این نگهداری بیمار می‌تواند حتی برای پرسنل بیمارستان که مراقبت بیمار را برعهده دارند ایجاد انگیزه بیشتری بکند تا اینکه با فشار از او رضایت گرفته شود (دورکیم، ۱۳۷۸: ۴۰۳). که بر این باوراند که با رواج این نوع مرگ در واقع در حال کمک و تسهیل کردن اتانازی و نادیده گرفتن اخلاق می‌باشیم زیرا به جای تلاش برای درمان بیمار با استفاده از مرگ خودخواسته به زندگی شخص پایان می‌دهیم و باعث از بین رفتن امید بیماری برای درمان می‌باشد. در ۱۰۰ سال اخیر مشاهده می‌کنیم که بسیاری از بیمارهای که قبلاً درمان نداشتند و کشته بودند، امروزه با استفاده از تکنولوژی پزشکی قابل درمان می‌باشد. در کشور ایران اتانازی غیراخلاقی می‌باشد زیرا مخالف با دین اسلام و نظم عمومی و آرامش جامعه می‌باشد و برعکس در کشور سوئیس طبق خبرگزاری مهر آن را اخلاقی می‌دانند و اعتقاد دارند که نباید بر تصمیمی که شخص گرفته دخالت کرد زیرا این موضوع مربوط به آزادی شخصی افراد می‌باشد.

در نهایت می‌توان بیان نمود که از دیرباز عمل «اتانازی» یا «قتل ترحم‌آمیز» در تاریخ زندگی بشر مطرح بوده است. ۱۲۲ پایان دادن به درد و رنج بیماران، با مشارکت عوامل درمان، مورد بحث و گفتگوهای فراوانی بوده است و گروه بسیاری با استدلال و استنادهای عقلی، فرهنگی، دینی و حرفه‌ای به شدت با آن مخالفت نموده‌اند و در مقابل گروه محدودی نیز از انجام اتانازی حمایت کرده‌اند و با آن موافق بوده‌اند. بررسی دیدگاه‌های هر دو گروه، توان درک واقعی و صحیح را قدرت می‌دهد و تصمیم‌گیری‌های منطقی را برای اراده و انتخاب‌های اخلاقی و حرفه‌ای آسان می‌گرداند. رعایت استقلال فردی و حق انتخاب، کاهش درد و رنج و حفظ شأن و ارزش فرد از جمله دلایل موافقان اتانازی است و تقدس حیات، عدم قطعیت کلینیکی و امکان بهبودی، امکان سوء استفاده و تخریب رابطه پزشک و بیمار بخشی از دلایل مخالفان اتانازی است. از جمع‌بندی و بررسی نظرات و دیدگاه‌های هر دو گروه به نظر می‌رسد اتانازی از ابعاد مختلف عقلی، حرفه‌ای، اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند رفتاری قابل قبول، منطقی و پسندیده باشد و توسعه، افزایش و قانونی نمودن آن، آسیب‌ها و آفت‌های زیادی را از جهات و زوایای مختلف به همراه دارد، بنابراین رفتاری غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی به شمار می‌آید (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶).

۶- بررسی قانونی اتانازی

اقدام یا کمک به کشتن بیماری که به رنجی غیر قابل تحمل گرفتار آمده است (اتانازی)؛ ممکن است به صورت تحمیلی یا به دنبال درخواست بیمار انجام شود. اتانازی تحمیلی، اقدام مجرمانه‌ای است که مشمول احکام جنایت عمدی است. لکن در اتانازی داوطلبانه، نه فقط مرتکب آن نسبت به دیه یا قصاص ضمانی نخواهد داشت؛ بلکه در مواردی، احراز شرایط اضطرار می‌تواند مزیل وصف مجرمانه جنایت باشد. با فقد شرایط مذکور، مرتکب در اتانازی فعال یا انفعالی که به درخواست بیمار انجام شده است صرفاً نسبت به فعل ارتكابی به مجازات تعزیری محکوم می‌گردد. در اتانازی غیرمستقیم نیز اگر نتیجه به فعل مرتکب اسناد داده شود، ملحق به احکام اتانازی مستقیم است و در غیر این صورت با وجود شرایط، معاون در جنایت قلمداد می‌گردد. چند سال قبل، وزیر دادگستری سوئیس خواستار توقف این نوع توریسم (سفر افراد به این کشور برای انجام اتانازی) در کشورش شده بود، در یک همه‌پرسی، ۸۵ درصد از مردم این کشور به طرح ممنوعیت همکاری در خودکشی دیگران رأی منفی دادند و خواستار برقراری قانون خودکشی شدند. ساکنان زوریخ می‌گفتند این موضوع به آزادی شخصی مربوط است و نباید در آن دخالت کرد. قانون اتانازی در سال ۱۹۴۱ در سوئیس وضع شد تا اختیار مرگ بیماران ناامید را به خودشان بدهند. این قانون، خودکشی بیماران لاعلاج را مجاز می‌داند و فقط محدودیت‌های بر چگونگی و زمان و دلیل خودکشی اعمال می‌کند (سید قریشی، ۱۳۹۵: ۵۸).

۱۲۳

مهم‌ترین عنصر در اتانازی، رضایت مجنبی‌علیه می‌باشد. اصل اولیه این است که رضایت مجنبی‌علیه، مجوز جرم ارتكابی نمی‌باشد و اتانازی که ویژگی اصلی آن رضایت می‌باشد، در هیچ‌کدام از استثنائات حقوقی قرار نمی‌گیرد و در مورد قتل نیز بدینگونه عمل می‌شود و بعضی از انواع اتانازی را می‌توان مصداقی از قتل عمدی دانست (موسوی بجنوردی و رضوی‌نیا، ۱۳۹۳: ۶۳)، که این نوع جنایت قتل عمدی محسوب می‌شود و از روح مواد دیگر می‌توان به آن پی برد زیرا قانونگذار ایران بصورت مستقل در قانون مجازات آن را جرم‌انگاری نکرده است. در ماده (۳۶۵) قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد که: «در قتل و جنایات عمدی، مجنبی‌علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیای دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص یا دیه کنند». لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شوند. این ماده بیان می‌دارد که رضایت قبل از وقوع جنایت تأثیری در سقوط قصاص ندارد (غفوری، ۱۳۹۷: ۲۸۹). مهم‌ترین عنصر در اتانازی رضایت مجنبی‌علیه هست، اصل اولیه این است که رضایت مجنبی‌علیه مجوز جرم ارتكابی نمی‌باشد و در مورد قتل نیز بدین‌گونه عمل می‌شود و غالب انواع اتانازی را می‌توان مصداقی از قتل عمدی دانست مگر اینکه مشمول حکم استثنایی ماده (۳۶۵) قانون مجازات اسلامی شود و مطابق این ماده برای اینکه رضایت مجنبی‌علیه موجب سقوط قصاص یا دیه شود باید متعاقب عمل

جانی، مجنی‌علیه اعلام عفو کند و اِلٰی مشمول این ماده نمی‌شود (محمدی، ۱۳۹۲: ۵۸). بررسی حقوقی اتانازی، مستلزم پرداختن به دو وجه متمایز آن است که یکی ناظر به حکم تکلیفی و دیگری به مسئولیت ناشی از نتایج حاصل از اقدام به آن، معطوف است. بررسی از صورت‌های اتانازی مانند اتانازی فعال تحمیلی، مشمول احکام وضعی و تکلیفی ناظر بر جنایات عمدی بوده علاوه بر توصیف مجرمانه عمل، مرتکب، نسبت به نتیجه آن از حیث قصاص یا دیه نیز ضامن خواهد بود. در اتانازی داوطلبانه نیز فعل ارتكابی همچنان ممنوع قلمداد می‌گردد؛ زیرا اذن به جنایت بر خویش، فاقد صلاحیت تأثیر در زوال وصف مجرمانه عمل است. اگرچه اذن به اتانازی در شرایط اضطراری به منظور دفع ضرر باشد و جواز اقدام به آن منطبق با قواعد و اطلاق ماده (۳۵۱) قانون مجازات اسلامی است؛ زیرا اضطرار، مستلزم رفع اثر از جرم ارتكابی است. لکن در غیر موارد اجرای قاعده اهم، اصل بر حرمت فعل ارتكابی است؛ هرچند به‌رغم احراز اسناد مرگ به مرتکب، با وجود اذن مجنی‌علیه وی نسبت به نتایج حاصل ضامن نخواهد بود؛ زیرا رضایت سابق اگرچه در حکم تکلیفی بلااثر است اما می‌تواند مانع ثبوت ضمان دیه یا قصاص گردد. بنابراین در کلیه مواردی که اتانازی بصورت فعال یا منفعل واقع شده و مرگ مستند به مرتکب باشد؛ اقدام وی جرم بوده، حسب مورد محکوم به قصاص یا دیه می‌گردد. لکن در صورت‌های مختلف اتانازی داوطلبانه، اذن بیمار منحصراً در نفی قصاص و دیه موثر بوده و با بقاء توصیف حرمت فعل، مرتکب، محکوم به تعزیر می‌گردد (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

نتیجه‌گیری

تحولات علم پزشکی تأثیر خاصی در انواع درمان‌ها و بهبودی از بیماری‌ها داشته است. بسیاری از بیماری‌ها مانند آبله، فلج اطفال، آنفلوانزا و سرخک که در گذشته لاعلاج و کشنده بودند، با تحولات اخیر علوم پزشکی قابل درمان شده‌اند. مدت عمر انسان‌ها طولانی شده، به همین دلیل، بیماری‌های دوران پیری روبه افزایش است و امروزه در دنیا مردم از مشکلاتی مانند آلزایمر و دمانس پیری رنج می‌برند. بیماری‌هایی مانند دیابت، بیماری قلبی و سرطان بطور فزاینده‌ای افزایش یافته است که در آن بیماری، طولانی و در نتیجه درمان و درد بیمار هم طولانی‌تر می‌شود. در سال‌های اخیر، مفهوم مرگ و زمان آن تغییر کرده است، روش‌های مرگ نیز متفاوت شده است. در سال‌های پیش مرگ موضوعی درون خانوادگی بود. انسان‌ها بعد از مدتی مبتلا شدن به یک بیماری یا به دنبال وقوع حادثه‌ای می‌مردند، اما امروزه با بکارگیری انواع درمان بر روی بیمار، تلاش می‌شود تا حیات او طولانی‌تر شود که البته تکنولوژی جدید و این درمان‌ها در بسیاری از موارد مؤثر واقع می‌شود و انسان‌ها می‌توانند سال‌ها به حیات خود ادامه دهند.

اما در بعضی موارد هم برخی بیماران از درد شدید و غیرقابل درمان رنج می‌برند که در اینجا این مساله مطرح می‌شود که آیا پزشک می‌تواند درمان آنها را قطع کرده و به حیات‌شان خاتمه دهد. این عمل که به اتانازی

معروف شده در بعضی نقاط دنیا یک جرم محسوب می‌شود و در نقاطی دیگر یک عمل قانونی، محور بحث این مقاله بررسی این موضوع می‌باشد.

انسان‌ها به دلایل مختلفی از قبیل افسردگی، بیماری لاعلاج و ... اقدام به خودکشی می‌کنند. خودکشی و اتانازی در هیچ‌یک از ادیان الهی مورد قبول نمی‌باشد. بیشتر مباحث مربوط به اتانازی در برگزیده اخلاق و مذهب می‌باشد و اینجاست که تقابل اخلاق و مذهب نمود پیدا می‌شود. در ادیان الهی، اقدام به اتانازی امری ناپسند و از جمله گناهان کبیره به شمار می‌رود. در اخلاق نیز با موجی از موافقان و مخالفان روبرو هستیم که موافقان اخلاقی اتانازی آن را با اراده و آزادی فردی و آزاد بودن در تصمیم‌گیری برای زندگی و مرگ خود می‌دانند و از این طریق آن را بصورت قانون در آورده‌اند و مخالفان نیز بر این باورند که با رواج اتانازی، انسان امید به زندگی و امید به درمان را از دست می‌دهد و با پیشرفت علم پزشکی تا حدودی بسیاری از بیماری‌ها دارای درمان می‌باشد، اما در کشور ایران برخلاف کشور سوئیس، انجام اتانازی از لحاظ اخلاقی نادرست و با نظم عمومی و اخلاق حسنه و دین اسلام در تضاد می‌باشد و در ایران انجام اتانازی قتل عمد محسوب می‌شود و مجازات شخصی که دست به این اقدام بزند براساس روح سایر مواد در قانون مجازات، مجازات خواهد شد و نبود مواد قانونی مستقلی همانند کشور سوئیس در رابطه با اتانازی خالی از ایراد نیست و اگر قانونگذار ایران در رابطه با اتانازی اقدام به قانونگذاری نماید و مبحث مستقلی را به آن اختصاص دهد، می‌تواند از بسیاری از

سردرگمی‌های مربوط به این مسئله برای پاسخ قانونی بکاهد. مبحث اتانازی از معدود مواردی است که در ۱۲۵ واقع نمی‌توان آن را فقط در زمره یکی از موارد اخلاقی یا قانونی یا دینی قرار داد و تا حد امکان نباید دست به این کار زد زیرا با رواج این کار، امید به بهبودی و امید به زندگی در بیماران کاهش پیدا می‌کند که این خود نیز باعث مشکلات دیگر می‌شود. اقدام به اتانازی در افراد باعث مرگ با عزت نمی‌شود زیرا با اراده افراد وقتی انجام شود، مجوز آسیب رساندن به بدن از طرف شخص بیمار صادر می‌شود و با اراده او انجام می‌پذیرد که در این صورت دارای عذاب اخروی می‌باشد. اقدام یا کمک به کشتن بیماری که به رنجی غیرقابل تحمل گرفتار آمده است (اتانازی)؛ ممکن است بصورت تحمیلی یا به دنبال درخواست بیمار انجام شود. اتانازی تحمیلی، اقدام مجرمانه‌ای است که مشمول احکام جنایت عمدی است. لکن در اتانازی داوطلبانه، نه فقط مرتکب آن نسبت به دیه یا قصاص ضمانی نخواهد داشت؛ بلکه در مواردی، احراز شرایط اضطرار می‌تواند مزیل وصف مجرمانه جنایت باشد. با قید شرایط مذکور، مرتکب در اتانازی فعال یا انفعالی که به درخواست بیمار انجام شده است صرفاً نسبت به فعل ارتكابی به مجازات تعزیری محکوم می‌گردد. در اتانازی غیرمستقیم نیز اگر نتیجه به فعل مرتکب اسناد داده شود، ملحق به احکام اتانازی مستقیم است و در غیر اینصورت با وجود شرایط، معاون در جنایت قلمداد می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آریان‌پور کاشانی، عباس و آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷)، فرهنگ انگلیسی به فارسی، چ ۱۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۳- اسلامی‌تبار، شهریار و الهی‌منش، محمدرضا (۱۳۹۶)، مسائل اخلاقی و حقوقی در قتل ترحم‌آمیز (اتانازی)، تهران: انتشارات مجد.
- ۴- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۸)، «مفهوم اتانازی و بررسی آن از دیدگاه فقه، حقوق و اخلاق»، مجله حقوق پزشکی، دوره ۳، ش ۸.
- ۵- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، خودکشی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، ترجمه: علی محسنی و همکاران، تهران: انتشارات سپهر.
- ۶- سلیمان‌آبادی، سحر و سلیمان‌آبادی، فاطمه (۱۴۰۰)، «اتانازی از دیدگاه اسلام»، هشتمین همایش دانشجویی بررسی فرهنگ سلامت از منظر قرآن و حدیث.
- ۷- صادقی، محمدهادی (۱۳۹۴)، «بررسی فقهی و حقوقی اتانازی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، ش ۲.
- ۸- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، تفسیرالمیزان، بغداد: دارالکتب الاسلامیه.
- ۹- طیبی، فتح‌اله (۱۳۹۵)، «بررسی اتانازی در حقوق ایران»، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزاء.
- ۱۰- علی‌پور طولازدهی، محدثه (۱۳۹۸)، «خودکشی از دیدگاه فقه و حقوق جزاء»، اولین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی.
- ۱۱- غفوری، احمد (۱۳۹۷)، شرح آزمونی قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات آریاداد.
- ۱۲- قریشی، ماریه و سلطانی، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «اتانازی و تفاوت فقهی، اخلاقی دو نوع فعال و انفعالی آن»، مجله پژوهش‌های اخلاقی، س ۶، ش ۴.
- ۱۳- محمدی، لیلیا (۱۳۹۲)، بررسی مرگ شیرین یا اتانازی در قوانین کیفری ایران، تهران: انتشارات یزدان.
- ۱۴- محمودیان، فرزاد و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای دلایل موافقان و مخالفان اتانازی»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۲، ش ۳.
- ۱۵- مشکینی اردبیلی، علی (۱۴۱۹)، مصطلحات الفقه، تهران: موسسه فرهنگی دار الحدیث.

- ۱۶- مظاهر تهرانی، مسعود (۱۳۹۴)، **حق مرگ در حقوق کیفری**، ج ۱، تهران: انتشارات هستی‌نما.
- ۱۷- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و رضوی‌نیا، مریم (۱۳۹۳)، «اتانازی در فقه و حقوق اسلامی با محوریت آرای امام خمینی»، **پژوهشنامه متین**، ش ۶۳.
- ۱۸- هاشمی، زهرا و مرتضوی، سیدمحمد جواد (۱۳۸۷)، «اتانازی از دیدگاه اسلام و اخلاق پزشکی نوین»، **مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان**.

19- www.hdg-law.ir

